

شاخصه‌های سخن سدید و غیرسدید در قرآن

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

مقدمه

یکی از مفاهیم دینی که باید به یک مطالبه اولیه فرهنگی در جامعه اسلامی بدل شود، نهادینه کردن «قول سدید» است. سعادت دنیا و آخرت در گرو پرهیزکاری و مدیریت زبان و عفت کلام است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و سخن سدید بگویید. در این آیه افزون بر توصیه به تقوا، به قول سدید سفارش شده است. از دیدگاه قرآن کریم سخن باید سدید (محکم و استوار)، ثقیل (گرانها) و طیب (پاکیزه) باشد؛ از این رو خدای متعال با ارزش‌ترین انسان‌ها را با تقواترین آنان می‌داند^۲ و لازمه تقوا را داشتن قول سدید بیان می‌کند.^۳

در روایات اسلامی گفتار زیبا و کلمه طیب مصداق صدقه به شمار می‌آید؛ همان‌گونه که رسول خدا ﷺ فرمود: «الكلمة الطيبة صدقة»^۴ سخن پاکیزه، صدقه است. در حقیقت این عمل نیک آثار و برکت‌های صدقه را نصیب صاحبش می‌کند. از سیره نبوی ﷺ می‌توان به اهمیت عفت گفتار پی برد؛ سهل بن سعد ساعدی می‌گوید: رسول الله ﷺ هیچ‌گاه بر منبر نشست مگر اینکه آیه هفتاد سوره احزاب [آیه فوق] را درباره امر به قول سدید تلاوت فرمود.^۵ قول سدید در روایات به گفتار حق و سخن صحیح تفسیر شده است.^۶ در نهج البلاغه نیز

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. احزاب: ۷۰ و ۷۱.

۲. حجرات: ۱۳.

۳. احزاب: ۷۰ و ۷۱.

۴. ملافتح‌الله کاشانی، منهج الصادقین، ج ۵، ص ۲۷۷.

۵. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۲۴؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۵۳.

۶. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۷؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۴۹.

گفتگوی حق و صحیح به معنای رعایت تقوای زبان آمده است. امیرالمؤمنین علیه السلام اولین فضیلت متقین را مربوط به زبان و سخن گفتن آنها می‌داند و می‌فرماید: «فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ وَ...»^۱. بنابراین کنترل زبان علامتی مهم برای سلامت روح انسان است. با کنترل زبان، چشم و گوش و سایر اعضا نیز کنترل خواهد شد.

بوی کبر و بوی حرص و بوی آز در سخن گفتن بیاید چون پیاز

ویژگی‌های سخن سدید

«قول سدید» در تربیت اسلامی در قالب تقوای زبان و عفت کلام مطرح است. از سوی دیگر درباره نقش زبان در تهذیب نفس روایات فراوانی وارد شده است؛ از جمله اینکه «قول سدید» مصداق بارز و اسم رمز مدیریت زبان برای اصلاح اخلاق و پرورش نفس در مسیر رشد و هدایت است.

واژه‌های مشابه قول سدید در قرآن عبارت‌اند از: قول بلیغ^۲ (سخنی رسا که در دل دیگران اثر کند)، قول میسور^۳ (گفتار نرم و آمیخته با لطف)، قول کریم^۴ (گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه)، قول لَین^۵ (نرم‌خویی متواضعانه)، احسن القول^۶ (خوش‌گفتاری و زیباگویی)، قول ثابت^۷ (گفتار قاطع، محکم و شفاف). هر کدام از این مفاهیم بخشی از مفهوم «قول سدید» را درون خود دارند.

با توجه به اهمیت موضوع، در اینجا برخی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های سخن سدید را با توجه به آیات و روایات بررسی می‌کنیم.

۱. سخن حق و مطابق با واقع

سدید از ماده «سَدَّ» به معنی استوار و خلل‌ناپذیر و موافق حق و واقع است و قول سدید سخنی

۱. شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۲. نساء: ۶۳.

۳. اسراء: ۲۸.

۴. همان: ۲۳.

۵. طه: ۴۴.

۶. فصلت: ۳۳.

۷. ابراهیم: ۲۷.

است که همچون سدّی محکم جلوی امواج فاسد و باطل را می‌گیرد؛^۱ به همین دلیل مؤمنان پیش از امر به «قَوْلِ سَدِيدٍ»، سفارش به تقوای الهی شده‌اند. در این باره حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «به خدا سوگند، بنده‌ای را ندیدم که تقوایش برایش سودمند باشد؛ مگر اینکه زبانش را نگهداری کند. زبان مؤمن در پشت قلب اوست و قلب منافق در پشت زبانش؛ زیرا مؤمن هرگاه بخواهد سخنی بگوید با خودش می‌اندیشد؛ پس اگر خیر باشد، آشکار می‌کند و چنانچه ناپسند باشد، پنهانش می‌دارد؛ ولی منافق آنچه بر زبانش آمد، می‌گوید؛ نمی‌اندیشد کدام به سود و کدام به زیان اوست».^۲ سعدی در توضیح این کلام می‌گوید:

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

در تفسیر المیزان آمده است: «کلمه "سدید" از ماده "سداد" است که به معنای اصابت رأی و داشتن رشاد است و بنا بر این، قول سدید عبارت است از کلامی که هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد یا اگر فایده دارد، فایده‌اش غیر مشروع نباشد؛ پس بر مؤمن لازم است به راستی آنچه می‌گوید مطمئن باشد و نیز گفتار خود را بیازماید که لغو و یا مایه افساد نباشد».^۳

۲. سخن مسئولانه

از دیدگاه قرآن تقوای گفتاری ایجاب می‌کند گوینده به مسئولیتی که در برابر کلام خود دارد، توجه کامل نماید. در سوره «ق» آمده است: «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»؛^۴ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت [و ضبط آن] است. رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «رَقِيبٌ وَعَتِيدٌ نام دو فرشته نویسنده اعمال انسان‌اند که رقیب بر سمت راست فرد، نویسنده کارهای نیک و عتید بر سمت چپ، نویسنده گناهان هستند».^۵

بنابراین زبان از حساس‌ترین و مهم‌ترین اعضای بدن دانسته می‌شود که انسان در برابر آن مسئول است. لقمان حکیم می‌فرماید: «اگر زبان سالم باشد، بقیه اعضا سالم خواهد بود و اگر زبان ناسالم باشد، بقیه اعضا نیز سالم نخواهند بود؛ بنابراین زبان هم بهترین و هم بدترین

۱. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۴۷.

۲. شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۳. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۷.

۴. ق: ۱۸.

۵. فضل بن حسن طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۱۶۶: «کاتب الحسنات علی یمین الرجل...».

اعضاء در کشور وجود است»^۱.

خداوند در سوره «نور» به مسئولیت زبان پرداخته است و می‌فرماید: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ
السِّنُّهُمْ»؛^۲ در آن روز زبان‌ها علیه آنها گواهی می‌دهند.

۳. سخن اندیشمندان

سخن گفتن متفکرانه یا اندیشمندان از معیارهای مهم قول سدید است؛ چراکه قول سدید اگر متفکرانه نباشد، هرگز انسان را به هدف نزدیک نمی‌کند. خداوند می‌فرماید: «سخن سنجیده برای آنان بهتر است»^۳. امام علی علیه السلام اینگونه توضیح می‌دهد: «فَدَّرَ ثُمَّ أَقْطَعَ وَ فَكَّرَ ثُمَّ انْطَبَقَ»؛^۴ اندازه‌گیری کن، سپس بپوش، بیندیش؛ سپس سخن بگو. بنابراین به یقین قول سدید پشتوانه‌ای اندیشمندان دارد.

سخندانِ پرورده پیر کهن بیندیشد، آن‌گه بگوید سخن

۴. سخن طیب و پاکیزه

از دیگر ویژگی‌های قول سدید، پاکیزه‌بودن سخن از خباثت، لغو، دشنام و کینه‌ورزی است. در سوره «حج» آمده است: «وَ هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ»؛^۵ مؤمنان صالح به سوی سخنان پاکیزه هدایت می‌شوند.

قول «طیب» کلامی است که در آن خباثت نباشد و «کلام خبیث» کلامی که یکی از اقسام باطل در آن باشد.^۶ گفتار طیب سخن روح‌پرور، الفاظی نشاط‌آفرین، کلماتی پر از صفا و جمالتی است که روح را در مدارج کمال سیر می‌دهد، جان و دل انسان را می‌نوازد و پرورش می‌دهد.

به گفتار شیرین جهان‌دیده مرد کند، آنچه نتوان به شمشیر کرد

خداوند می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ

۱. نصرالله شبستری، دُرّ یتیم در زندگانی لقمان حکیم، ص ۲۷.

۲. نور: ۲۴.

۳. محمد: ۲۱.

۴. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۷۱.

۵. حج: ۲۴.

۶. سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۵۱۰.

فَزَعُهَا فِي السَّمَاءِ»^۱ آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبه [و گفتار پاکیزه] را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت و شاخه آن در آسمان است؟
به یقین کلمه «طیب» از کلمه توحید و محتوای آن سرچشمه می‌گیرد و انسان موحد و بامعرفت همواره گفتارهای پاکیزه دارد؛ گفتار او آرام‌بخش دل‌ها و ریشه‌دار و مستحکم است و برگرفته از ایمان و اعتقادات اوست.

پیامبر اسلام ﷺ برای هدایت دل‌های آماده از روش‌های مختلفی از جمله قول سدید بهره می‌گرفت؛ نمونه‌ای از سیره ایشان در بهره‌گیری از قول سدید را در ماجرای سفر هجرت و برخورد با بریده بن خصیب^۲ مشاهده کرد. بریده که به دلیل فراخوان مشرکان قریش برای دریافت جایزه مهمی (صد شتر) در پی دستگیری و تحویل پیامبر ﷺ به مشرکان به همراه هفتاد سوار کمر همت بسته بود، وقتی با آن گرامی روبرو شد و سخن سدید و کلام حق پیامبر ﷺ را شنید، چنان تحت تأثیر پیامبر ﷺ و سخن ایشان قرار گرفت که در اثر فداکاری و عشق و ایثار به مرتبه‌ای رسید که از خواص یاران پیامبر ﷺ و علی عليه السلام گردید.^۳

ویژگی‌ها و شاخصه‌های گفتار سدید در قرآن را می‌توان در محتوای واژه‌هایی مانند: قول حق، قول صدق، قول عدل، قول حسن، قول احسن، قول کریم، قول لاین، قول مؤمنانه، قول معروف، قول بلیغ و قول میسور جستجو کرد. بنابراین از دیدگاه آیات وحی اگر گفتارهای روزمره انسان در دایره این ویژگی‌ها قرار داشته باشد، انسان را در رسیدن به کمال و تهذیب نفس به زیباترین وجه یاری می‌رساند.

شاخصه‌های سخن غیر سدید

همان‌طور که گفته‌اند «تعرف الاشياء باضدادها»؛ اشیاء از راه نقطه مقابل شان شناخته می‌شوند و به وجود آنها پی برده می‌شود، با شناخت برخی از شاخصه‌های قول غیر سدید، قول سدید نیز بهتر شناخته خواهد شد. بنابراین در ادامه به شاخصه‌ها و مصادیق قول غیر سدید اشاره می‌شود.

۱. سخن زور و ناحق

قول زور را می‌توان در برابر قول سدید طرح کرد که خدای متعال از آن نهی می‌کند و می‌فرماید:

۱. ابراهیم: ۲۴.

۲. وی شخصی شجاع و باشهامت و از اهالی بانفوذ مدینه بود.

۳. سیدابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۲۰۲.

«وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»^۱ و از گفتار ناحق بپرهیزید. در تفسیر «قول زور» آمده است: «کلمه زور» به معنای انحراف از حق است و به همین دلیل دروغ را نیز "زور" می‌گویند؛ همچنین به هر سخن باطل دیگری "زور" اطلاق می‌شود.^۲ از سوی دیگر در روایات قول سدید را به سخن حق تفسیر کرده‌اند.^۳

برخی از مصادیق قول زور و باطل در آیات الهی عبارت‌اند از: سخنان فریبنده و بی‌اساس، لغو، زشت و باطل، تند و خشن، استهزاء، عیب‌جویی، لقب زشت و ناپسند، گمانه‌زنی، غیبت و ...

۲. سخن بدون عمل

گفتار بدون عمل از جمله موارد منفی در قرآن و روایات و از مصادیق قول غیرسدید است. خداوند متعال می‌فرماید: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۴: نزد خدا بسیار موجب خشم و مورد نفرت است سخنی بگویند که خود عمل نمی‌کنند.

در این باره معلی از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ عَمِلَ بَعِيرَهُ»^۵: روز قیامت کسانی زیاد حسرت م‌خورند که از عدالت سخن گفته‌اند؛ ولی هنگام عمل آن را به کار نیسته‌اند.

اگر مؤمنین سخن از عدالت و ارزش‌ها بگویند؛ ولی خود در عمل دچار افراط و تفریط شوند و آن را رعایت نکنند، مشمول این حدیث شریف خواهند شد.

در روایتی دیگر که باز هم مصداق کامل آن مؤمنین به‌ویژه رسانه‌ها و کسانی است که تریبون‌های عمومی را در اختیار دارند، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عَلِيٍّ أَنَا لَيْسَ تُفَرِّضُ شِفَاهَهُمْ بِمَقَارِيضٍ مِنْ نَارٍ فَقُلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرَيْلُ فَقَالَ هَؤُلَاءِ هَؤُلَاءِ خُطَبَاءُ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا مِمَّنْ كَانُوا يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَيَنْسَوْنَ أَنْفُسَهُمْ»^۶: در شب معراج به گروهی برخورد کردم که مأمورین الهی آنان را عذاب

۱. حج: ۳۰.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۷۱.

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۷؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۴۹.

۴. صف: ۳.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۲۳.

۶. همان.

می‌کردند به این صورت که با قیچی‌هایی از آتش لب‌های آنان را می‌بریدند. وقتی از جبرئیل پرسیدم، توضیح داد که آنان خطبا و سخنرانان از اهل دنیا هستند که مردم را به نیکی دعوت می‌کنند؛ ولی خود را فراموش کرده‌اند.

آری! اگر مؤمنین، گویندگان و اصحاب رسانه‌ها فقط به فکر امر و نهی باشند و انتقاد و ایراد بگیرند؛ ولی از اصلاح خود و رسالت خطیرشان غافل شوند که بیان و بنان‌شان بر محور حق بچرخد، به یقین از زیان‌کاران خواهند بود. همچنان‌که گفته‌اند:

پندم چه دهی؟ نخست خود را محکم کم‌ری ز پند بربند
چون خود نکنی چنان که گویی پند تو بود دروغ و ترفند

۳. سخن تملق‌آمیز

چاپلوسی و تملق از دیگر مصادیق قول غیرسدید است که به شدت ایمان را تهدید می‌کند و در فرهنگ اسلامی از آن نهی شده است؛ البته افزون بر مؤمنین عادی، رسانه‌هایی که از شخصی منتفذ یا حزب و گروهی تغذیه شوند، بیشتر در معرض چنین آسیبی خواهند بود.

گاهی در گفتارها در مدح کسی یا جریانی چنان افراط و مبالغه دیده می‌شود که مخاطب را به تردید در نیت گویندگان وامی‌دارد و بی‌اختیار انسان این روایت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به یاد می‌آورد: «اخْشَوْا فِي وُجُوهِ الْمَدَّاحِينَ الثَّرَابِ»^۱ به صورت مداحان افراطی و تملق خاک پاشید. ضرر این تملق افزون بر خود جامعه، به کسی برمی‌گردد که از او ستایش بی‌جا می‌شود و شناختن او را حتی نسبت به خودش سخت‌تر گردانیده و حتی از خود بیگانه می‌کند و او را دچار غرور می‌گرداند. همان‌طور که گفته شده است:

هر که را مردم سجودش می‌کنند زهرها در جان او می‌آکنند

اگر مؤمنین به‌ویژه اصحاب رسانه دچار آفت تملق شوند، چنان حق و باطل را مخلوط می‌کنند که شناختن آن حتی برای افراد خبره مشکل می‌شود؛ چراکه تملق انسان‌های سست‌اراده را شجاع و مردان قوی‌دل را زبون قلمداد می‌کند و افراد بی‌کفایت را کارآمد و خادمین حقیقی را بی‌تدبیر و ناکارآمد معرفی می‌کند؛ بنابراین به باطل چهره حق پوشانده می‌شود و حقیقت‌خواهان را ترور شخصیت می‌کنند. در این باره امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ در برابر ستایشگر شخصیت‌شان فرمود:

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱.

«من خوف این را دارم که مطالبی که آقای حجازی فرمودند درباره من، باورم بیاید».^۱ امام خمینی علیه السلام که شخصیتی کمال یافته بود، با این عمل خود درسی آموزنده به سخنرانان و اصحاب رسانه‌ها آموخت که آنان بدانند حتی شخصیتی بی نظیر همچون ایشان را نیز نباید بیش از مقامش ستود. پس اگر افراط در ستایش شخصیت‌های شایسته روا نیست، به یقین ستودن افراد ناشایست بدتر و زشت‌تر خواهد بود. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «يَهْلِكُ فِي رَجُلَانِ: مُحِبُّ مُفْرِطٍ، وَ بَاهِتٌ مُفْتَرٍ».^۲ دو کس در مورد من هلاک خواهند شد: دوستی که در حق من افراط و غلو می‌کند و دشمنی که بهتان می‌زند و افترا می‌بندد. همچنین سخن امیر کبیر در برخورد با قاتنی شاعر درس آموز است که گفت: «من حقوق متملقان و چاپلوسان را قطع کردم؛ درحالی که می‌دانم با من دشمن می‌شوند...».^۳

۴. سخن تمسخرآمیز

از دیگر مصادیق قول غیرسدید و باطل، تخریب و مسخره کردن است. در قرآن کریم این گناه نابخشودنی شدیداً نکوهش شده است. خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند».^۴

خداوند در سوره «همزه» نیز با لحن شدیدتری از تخریب و تمسخر بر حذر داشته است و می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ»:^۵ وای بر هر عیب‌جوی مسخره‌کننده‌ای.

انسان ممکن است با تخریب و تمسخر، انسان‌های کاردان و کارآمد را دلسرد کند و از ادامه خدمت باز دارند؛ همچنان‌که با قدردانی از آنان، همت و اراده آنان را می‌توان تقویت کرد. البته تخریب غیر از انتقاد دلسوزانه برای اصلاح و تکمیل رفتارهاست؛ همچنان‌که تمسخر غیر از طنزهای مشفقانه و خیرخواهانه است.

۱. سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۴۳.

۲. شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت ۴۶۹.

۳. محمود حکیمی، زندگانی امیر کبیر، ص ۷۹.

۴. حجرات: ۱۱.

۵. همزه: ۱.

سایر مصادیق سخن غیرسدید

افزون بر مواردی که اشاره شد، مصادیق دیگری از قول غیرسدید وجود دارد که فقط به بیان فهرست آنان اشاره می‌کنیم:

آزردن زبانی مؤمن، ادعای بی‌جا و بی‌دلیل، فضولی و دخالت در کار مردم، تهمت‌زدن و شایعه‌پراکنی، افشای عیوب مؤمنین، ترویج منکرات، مقابله با معروف و ارزش‌ها، انتقادات بی‌جا و کینه‌توزانه، انکار حقایق، اهانت به اشخاص محترم، تفاخر، نقل اخبار ضعیف و شنیده‌ها، مجادله بی‌مورد، بی‌توجهی و قطع سخنان دیگران، نقل اخبار بزه‌کاران به قصد رواج گناه، گفتن سخنان بیهوده و عبث، طرح شبهات و رهاکردن پاسخ، پرسش برای شرم‌منده‌کردن طرف مقابل، افشای اسرار مردم، پرحرفی، حمایت زبانی از مفسدین سیاسی و اقتصادی، تقویت ستمگران و ظالمان، حق‌پوشی، تجاهل، تحریف تاریخ و قرآن و حدیث، ترویج باطل، تردید و شبهه‌افکنی در مسلمات و اصول و ارزش‌ها، سرزنش بی‌جا، ترور شخصیت بزرگان و متدینین، ترویج اندیشه‌های نادرست، تزریق روحیه خشونت و تهدید و بحران‌های کاذب و اضطراب و نگرانی در جامعه، جاسوسی برای دشمن، رواج‌دادن فساد و فحشا و دامن‌زدن به روابط ناسالم زن و مرد، دورویی و نفاق، فتنه‌انگیزی، شماتت و زخم‌زیان، درد دل کردن با دشمنان، سخن‌چینی، مچ‌گیری، شوخی با مقدسات، نهادن نام زشت و القاب غیراخلاقی بر مردم، عیب‌جویی، غلو و افراط، فال‌بدزدن و پیش‌بینی‌های مغرضانه، فریب‌کاری رسانه‌ای، تحلیل‌های غیرشفاف و غیرصادقانه، ترویج کلمات کفرآمیز و استفاده از واژه‌های دشمن‌پسند و بیگانه با فرهنگ اسلامی و ایرانی، ایراد سخنان حق و اراده باطل، گناه خود را به گردن دیگران انداختن و فرافکنی، منفی‌بافی، کفران نعمت، ریختن آبروی اهل ایمان و ...

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۲. حکیمی، محمود؛ زندگانی امیر کبیر؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۳. خویی، سیدابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة؛ قم: الثقافة الاسلامیة، ۱۳۷۲ ش.
۴. سیوطی، جلال‌الدین؛ الدر المنثور؛ بیروت: دار المعرفه، ۱۳۶۵ ق.
۵. شبستری، نصرالله؛ دُرّ یتیم یا زندگانی لقمان حکیم؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۲ ش.

۶. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ تصحیح: صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۷. شیخ صدوق ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۱۳ ق.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۹. _____؛ تفسیر المیزان؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۴ ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم؛ تفسیر قمی؛ قم: دار الکتب، [بی تا].
۱۲. کاشانی، ملافتح الله؛ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین؛ تهران: کتابفروشی علمی، ۱۳۳۶ ش.
۱۳. لیشی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم والمواعظ؛ قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۱۴. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. موسوی خمینی، سید روح الله؛ صحیفه امام: جموعه آثار امام خمینی علیه السلام؛ تهران: نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام علیه السلام، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. نوری، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک الوسائل؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.